خبر

رئیس قوه قضائیه:

مسائل استان خوزستان باید به‌طور ویژه دیده شود

● **مرکز رسانه قوه قضائیه:** رئیس قوه قضائیه در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به مشکل ایجادشده در جایگاه‌های سوخت از صبوری مردم تقدیر کرد و با هشدار نسبت به نقشه‌های دشمن در حوزه سایبری که ریشه در شکست و عدم موفقیت در توطئه‌ها و اهداف قبلی آنها دارد، به مسئولان ذی‌ربط تأکید کرد که در این زمینه هوشیاری و مراقبت لازم را مبذول دارند.

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای با اشاره به سفر کاری ۱۸ساعته خود و همکارانش به استان خوزستان در هفته گذشته و بررسی میدانی مشکلات این استان گفت: استان خوزستان دارای مواهب غنی الهی است، اما به خاطر برخی ضعف‌ها مردم گرفتار مشکلاتی شدند که حقیقتا مستحق آن نیستند و دشمن هم به دنبال سوءاستفاده از این ضعف‌هاست.

او تأکید کرد: مسائل استان خوزستان باید به‌طور ویژه دیده شود و با اقدامات متعارف و مرسوم نمی‌توان مشکلات آب، مسائل زیست‌محیطی، فرهنگی و اقتصادی مردم این منطقه را حل کرد و تلاش ما این است با یک نسخه خاص به‌طور فوق‌العاده به این مسائل توجه کنیم.

محسنی‌اژه‌ای همچنین درخصوص صلح و سازش بین دو طایفه در استان خوزستان پس از چند سال نزاع خونین (با ۲۰ کشته و چندین نفر زخمی و...) که در جریان سفر استانی اخیر صورت گرفت، از این اقدام به‌عنوان دستاوردی کم‌نظیر یاد کرد که با عنایت خداوند متعال و تلاش‌های مسئولان استانی، علما، ریش‌سفیدان و متنفذین محلی و مردم استان خوزستان رخ داده است.

رئیس عدلیه بر نقش مؤثر پایداری این قبیل مصالحه‌ها در حصول صلح و سازش در پرونده‌های مشابه تأکید کرد و گفت: تعداد زیادی از این پرونده‌ها در عدلیه موجود است که پایداری در این مدل باعث می‌شود مشکل آنها هم به صلح و سازش بینجامد.

محسنی‌اژه‌ای همچنین در واکنش به گزارش دادستان کل کشور درخصوص انبارهای نگهداری کالا که در جریان سفر استانی خوزستان مورد بازدید قرار گرفته بود، با نامطلوب ارزیابی‌کردن وضع موجود به دادستان کل کشور و رئیس سازمان بازرسی دستور داد که به صورت مستمر این موضوع را بررسی و تدبیری برای رفع مشکل نگهداری کالا در انبارها اتخاذ کنند.

او با گلایه از وضعیت نگهداری کالاها در انبارهای سازمان امور تملیکی و گمرکات کشور که بعضا منجر به فاسدشدن برخی از آنها می‌شود و با بیان اینکه به رئیس‌جمهور و رئیس مجلس اظهار کرده‌ام که این موضوع با عقل، منطق و شرع پذیرفته نیست، گفت: کالاهای زیادی می‌آید و در انبار گمرک می‌ماند و انبار را اشغال می‌کند و وقتی انبار اشغال شد محلی برای کالای دیگر که باید تخلیه شود موجود نیست و باید در نوبت بماند که این موضوع هزینه‌بر می‌شود.

رئیس قوه قضائیه ادامه داد: کالا می‌ماند و به هر دلیلی ترخیص نمی‌شود، درحالی‌که باید درباره کالایی که می‌آید پیش‌بینی صورت گیرد که آیا می‌تواند تخلیه و ترخیص شود و اگر نمی‌تواند چند وقت می‌تواند نگهداری شود.

محسنی‌اژه‌ای با بیان اینکه این کالا مورد نیاز کشور است، تخلیه هم می‌شود، اما ترخیص نمی‌شود تا زمانی که فاسد شود، از روند موجود انتقاد کرد و گفت: چه منطقی است که کالا را نیاز داشته باشیم، پول هم داده باشیم، ولی آن کالا بیاید تا در انبار بماند.

او با اشاره به گزارش دادستان کل کشور درباره ۱۴۰ هزار تن ذرت فاسد در یکی از انبارهای بندر امام خمینی(ره) گفت: این ذرت‌ها به کشور آمده، مانده و فاسد شده است و اکنون باید کلی پول هزینه شود تا برای این جنس فاسد فکری صورت گیرد. حال سؤال اینجاست که این کالای فاسد کجا باید امحا شود؟

رئیس قوه قضائیه با طرح این سؤال که دو نماینده قوه قضائیه در سازمان اموال تملیکی چه کاری انجام می‌دهند، افزود: اموال زیادی در انبارهای سازمان اموال تملیکی وجود دارد که فاسد شده و تاریخ‌گذشته است یا تعداد آن از مقدار ذکرشده روی کارتن کمتر است که مشخص نیست تعدی به این کالا در کجا صورت گرفته است؟

او با تأکید بر اینکه هیچ‌کس این وضعیت ورود، نگهداری و ترخیص کالا را قبول نمی‌کند، به رئیس سازمان بازرسی و دادستان کل کشور مأموریت داد تا هر اقدامی که می‌شود برای رفع مشکلات موجود انجام دهند.

محسنی‌اژه‌ای با اشاره بر اینکه ممکن است در این زمینه قانون‌گذاری نیاز باشد، در عین حال تأکید کرد با همین قوانین فعلی هم می‌شود بهتر از روند موجود عمل کرد.

رئیس دستگاه قضائی آمادگی خود را برای استقرار قاضی سیار یا ثابت در همه گمرکات کشور اعلام کرد و گفت: تا جایی که جزء اختیارات بنده است هر نوع همکاری را انجام می‌دهم؛ چراکه وضعیت بسیار نامناسب است.

آنچه بر دوم خرداد گذشت

معلق میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی

حجاریان: جنبش دوم خرداد متولی نداشت

عکس: عرفان کوچاری، تسنیم

شرق: سعید حجاریان به‌تازگی در گفت‌وگویی با پایگاه خبری «انصاف‌نیوز» به ذکر مسائلی درباره روند طی‌شده در جبهه اصلاحات پرداخته و از اشتباهات اصلاح‌طلبان در این سال‌ها سخن گفته است. او در بخشی از این گفت‌وگو درباره سیاست اصلاح‌طلبان مبنی بر فتح سنگر به سنگر کرسی‌های سیاسی گفته است: «بالاخره در آن زمان ریاست‌جمهوری بود، مجلس بود، شوراها بود، روزنامه‌ها بودند، منتها دوام نیافت. حفظ سنگر مهم است. یک‌وقتی فقط سنگر را فتح می‌کنید و یک‌وقتی حفظ هم می‌کنید؛ این دو مکمل هم هستند». او دلایل شکست این سیاست را این‌گونه برمی‌شمارد: «علل زیادی داشت. عده‌ای رفتند داخل کادر دولت. چند بار گفتم عده‌ای باید از دولت بیرون باشند. دوم خرداد جنبش بود؛ جنبش متولی می‌خواست که متولی نداشت. از این گذشته، پیگیری‌ها کم بود. یک‌عده هم شاید قاطی ما بودند که دنبال مال و منال و پست و مقام و صندلی بودند. من یک بار گفتم هرکس دنبال صندلی است نزد من بیاید، یک صندلی چرخ‌دار (ویلچر) دارم که به او بدهم. همه باید جلو می‌آمدند اما نیامدند. خلاصه نشد. آن‌طرفی‌ها هم بی‌کار نبودند؛ ضدحمله زدند. آن‌طرف هم همین تاکتیک را داشت دیگر؛ آنها هم شروع کردند فتح سنگر به سنگر. الان خودشان هم می‌گویند ما فتح سنگر به سنگر کردیم و فرماندهی الان دست ماست». او درباره اینکه آیا اصلاحات در تمام این سال‌ها دستاوردی داشت یا خیر نیز گفته است: «بله! دستاورد داشت. اگر اصلاحات نبود، من نمی‌دانم چه اتفاقاتی در آن مقطع می‌افتاد. من، آقای ناطق را آدم عاقلی می‌دانم اما به هر حال ایشان بنا بود دولت راست‌ها را تشکیل دهد و اگر چنین دولتی تشکیل می‌شد، نمی‌دانم امروز کجا ایستاده بودیم. به هر حال، هنوز هم هرکسی می‌گوید، پاسخ می‌دهیم دوره خاتمی این‌گونه و آن‌گونه شد؛ از سیاست و اقتصاد تا اوضاع جامعه... اصلا شخصیت خاتمی را مقایسه کنید با بقیه. خاتمی آدم نجیبی بود. هنوز هم می‌گویند -حتی راست‌ها- که بهترین رئیس‌جمهور برای ما بود». او در انتقاد به روحانی مطرح کرد: «ایشان (روحانی) هم این اواخر دیگر خیلی به سمت آن طرف کشید. ما توقع نداشتیم ایشان شعارهای ما را بدهد اما حتی به شعارهای خودش هم پشت کرد».

حجاریان درباره جایگاه لیدری در اصلاحات نیز گفته است: «برای بلندمدت باید فکر کار جمعی کرد. یک لجنه‌ای از افراد معتبر باید این کار را بکنند. مثلا احزاب جدی اروپایی را نگاه کنید؛ خود حزب مهم است، دفتر سیاسی حزب مهم است و... اصل‌کاری کادرهای اصلی حزب هستند. اما ما فرد داشته‌ایم؛ فرد بوده است که مهم بوده است».

نگاه حجاریان درباره حضور اصلاح‌طلبان در قدرت نقدی است که خاصه در سال‌های اخیر به‌شدت اوج گرفته است؛ اینکه در دوگانه قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی اصلاحات باید کدام مسیر را برگزیند و هدف اولیه جنبش دوم خرداد ۷۶ به کدام‌یک از این دو مسیر نزدیک بوده است؟ به نظر می‌رسد پیش از انتخابات که اصلاح‌طلبان تمام نگاهشان معطوف به پیروزی در انتخابات بود، بازگشت به جامعه چندان مورد اعتنای عموم اصلاح‌طلبان قرار نداشت، اما حالا که مسیر سیاست‌ورزی رسمی بر اصلاح‌طلبان بسته شده، قدری گرایش بازگشت به جامعه قوت گرفته است؛ هرچند هنوز هم بخشی از نیروهای اصلاح‌طلب باور دارند ادامه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه بدون حضور در مسئولیت‌ها عملا ممکن نیست. برای مثال چندی‌پیش غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، درباره این موضوع گفته بود: «من به دوستان اصلاح‌طلب خودمان می‌گویم، شما که مدام می‌گویید باید جامعه‌محور باشیم و روی به جامعه بیاوریم و فقط به فکر این نباشیم که در قدرت باشیم، خب این الان جامعه! آقایان و خانم‌های اصلاح‌طلب، چه طرح و چه همبستگی‌ای برای خدمت به این مردم و رفع مشکلات آنها در مسئله کرونا ارائه دادید؟» یا حسین مرعشی که گفته بود: «احیای سرمایه اجتماعی و حضور در قدرت هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند و نمی‌توان اصلاح‌طلبان را در دوراهی انتخاب یکی از اینها قرار داد؛ چون اصلاح‌طلبان قدرت را برای خودشان نمی‌خواهند، بلکه قدرت را برای اصلاح امور کشور و حل مشکلات مردم می‌خواهند. البته قدرت مثل همه خوبی‌های دیگر دنیا می‌تواند شر هم باشد. خیر و شر بودن قدرت به این بستگی دارد که شما با چه هدفی دنبال کسب قدرت باشید».

در برابر این نگاه مثلا زیدآبادی به‌تازگی گفته است: «نخبگان اصلاح‌طلب اصلا نگاهشان این نیست که انرژی جامعه است که در نهایت قدرت تولید می‌کند؛ اصلاح‌طلبان فقط حضور در نهادهای قدرت را سیاست می‌دانند. این نگاه عیب دارد... مشکل اصلی این بود که اصلاح‌طلبان، بوروکراتیزه شده بودند اما یک بوروکراسی ناکارآمد را نمایندگی می‌کردند؛ یعنی صاحب شغل‌هایی در مناصب دولتی شده بودند که فقط می‌توانستند دستور بدهند و کار این و آن را راه بیندازند. اینها حتی نتوانستند یک بوروکراسی -که همه اجزایش دست آنها باشد- را سالم و چابک و در مقابل سایر نهادها روبین‌تن کنند... . بعدها این پست‌ها مثل مدیرکل، معاون وزیر و... اعتیادی در اینها ایجاد کرد به این معنا که هویت سیاسی و وجودی خود را به این پست‌ها گره زدند و ازدست‌رفتن این مناصب را به معنی هلاکت خود دانستند. بنابراین در دوره احمدی‌نژاد [وقتی پست‌های‌شان را از دست دادند] نتوانستند وضعیت موجود را به‌درستی تحلیل کنند و از همان ابتدا اصلا به‌عنوان رئیس‌جمهور قبولش نکردند؛ درحالی‌که احمدی‌نژاد هر آدمی که بود، بالاخره توانسته بود در یک رقابت که خود اصلاح‌طلبان پذیرفته بودند پیروز شود. اصلاح‌طلبان نتوانستند با دوره احمدی‌نژاد کنار بیایند و جای کارهای مدنی و تقویت خودشان، به تمسخر احمدی‌نژاد و دولت او روی آوردند».

یا محمدرضا تاجیک که گفته بود: «در فردای پیروزی جریان اصلاح‌طلبی و تبدیل آن به گفتمان مسلط، اصلاح‌طلبان چندان به رخداد اصلاح‌طلبی و نظام آکسیومی آن وفادار نماندند. بی‌تردید، نفوذ و رخنه خودآگاه و ناخودآگاه عشق به قدرت در این بی‌وفایی تأثیری شگرف داشت. در فردای تبدیل پادگفتمان اصلاح‌طلبی به گفتمان مسلط و مستقر، سوبژکتیویته قدرت و بقا در قدرت جای سوبژکتیویته نقد و اصلاح مستمر قدرت را گرفت... . دیری نپایید که گفتمان اصلاح‌طلبی نیز به نوعی آپاراتوس و دیسپوزیتیف قدرت تبدیل و در پای قدرت و منفعت ذبح شد... نخست بگوییم که روایت اصلاح‌طلبان، روایت واحد و یگانه‌ای نیست و در ساحت فراخ جریان اصلاح‌طلبی، رقص تفاوت‌ها و تمایزها و تکثرها (بازی‌های زبانی و گفتمانی گونه‌گون) برپاست. چون نیک بنگریم بسیاری از اصلاح‌طلبان امروز را در هیچ‌کجا و هرکجای نظری و عملی می‌بینیم. اینان، اصلاح‌طلبی را دقیقا در همان موقف و موضعی تعریف می‌کنند که قدرت و منفعتشان اقتضا می‌کند. این عده، برای رسیدن به قدرت آرام و قرار ندارند. کک قدرت افتاده در تن و جانشان و آرامش و قرار را از آنان ربوده است».

حالا با این اوصاف شاید در دوران پساانتخابات که دیگر اصلاح‌طلبان در هیچ‌یک از مسئولیت‌های اجرائی یا تقنینی حضور ندارند، می‌توان قدری امید داشت که اصلاح‌طلبان یک بار برای همیشه نسبت خود را با جامعه و سیاست رسمی تعریف کنند تا بتوانند مبتنی بر سرمایه اجتماعی و قدرت اجتماعی‌شان برای تصدی قدرت سیاسی برنامه‌ریزی کنند که شاید لازم است جمع این دو دیدگاه حاصل شود؛ زیرا هریک بدون دیگری راهی عقیم خواهد بود.

حواشی انتصاب‌های فامیلی و جناحی در دولت سیزدهم ادامه دارد

انتصابات با سهم‌خواهی؟

وحیده کریمی: چند ساعت پس از آنکه لاله افتخاری گفت «روش رئیسی برای اداره کشور سیره ائمه معصومین(ع) است»، فرزندش به‌عنوان مدیرعامل مؤسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد انتخاب شد. این اولین انتصاب پرحاشیه در دولت سیزدهم نیست و از زمان شروع به کار دولت جدید، انتصاب‌های فامیلی، گروهی و جناحی بدون درنظرگرفتن تخصص و تجربه لازم با چنان سرعتی انجام می‌شود که گویا شعار شایسته‌سالاری و ممنوعیت فامیل‌بازی اصولگرایان در زمان انتخابات اصلا مطرح نشده است.

سهم‌خواهی از دولت

از یک سو رئیس دولت برای رقبای اصولگرای خود در رقابت انتخاباتی حکم می‌زند و از سویی دیگر سهم‌خواهی نمایندگان مجلس و فعالان جناح راست زمان انتخاب کابینه با نقد تند برخی از اصولگرایان مواجه می‌شود. در این بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق هم یک به یک در حال سمت‌گرفتن هستند.

شهرداری که انتصابش خلاف قوانین مصرح انتخاب شهرداران بوده برای دامادش حکم می‌زند، وزیر نفت برای دختر نماینده مجلسی که زمان بررسی صلاحیت وزرا حامی‌اش بوده در نامه‌ای محرمانه حکم استخدام می‌زند، مشاوران و معاونان وزرا از گعده دوستان و هم‌جناحی‌هایی انتخاب می‌شوند که کمترین تجربه را در کارنامه خود ندارند.

این روزها بحث استخدام‌های سفارشی بسیار زیاد شده و حتی به صداوسیما که مدعی و نقاد در بسیاری از امور است، رسیده است. بر این اساس سعید عینی‌اللهی، مدیر تأمین نیروی انسانی صداوسیما به‌صورت محرمانه درخواست کرده تا دختر ۲۱ساله‌اش با مدرک دیپلم تجربی به‌عنوان کارشناس پیراپزشکی استخدام شود. در این بین قانون و منافع عمومی قربانی مصلحت جناحی و گروهی شده است.

انتصاب‌های خلاف قانون ادامه دارند

با وجود انتقادها به اصولگرایان و وزیر نفت در رابطه با استخدام دختر نماینده مجلس، روز گذشته اسناد محرمانه‌ای از میزان حقوق و مزایای پیام کهتری‌انور، مشاور و مدیرکل دفتر وزارتی نفت، منتشر شده و منتشرکنندگان این اسناد مدعی این هستند که حتی استخدام او در وزارت نفت از اساس خلاف قوانین بوده است، چه برسد به آنکه بخواهد حقوق ۳۲ میلیون تومانی در هر ماه دریافت کند. پیگیری‌ها نشان‌دهنده آن است که در ماه‌های پایانی دولت گذشته، تغییراتی در آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی صنعت نفت رخ داده که اکنون گریبان وزیر جدید نفت را گرفته است. در مدل قراردادی مدت معین نوین، این دو مدیرکل باید در آزمون‌های مرکز توسعه مدیریت سرمایه انسانی صنعت نفت شرکت می‌کردند که این اتفاق رخ نداده است.

در رابطه با زاکانی نیز بعد از لغو حکم دامادش که دلیل آن را نه تصمیم خلاف قانون خود، بلکه ناراحتی مردم عنوان کرد، شاهد ادامه انتصاب‌های خلاف قانون در شهرداری هستیم. مجتهدزاده، وکیل دادگستری، دراین‌باره گفته است که در روزهای گذشته نیز مجددا آقای زاکانی، آقای حسین اوجاقی را به‌عنوان رئیس سازمان ورزش شهرداری تهران منصوب کرد که این انتصاب هم مسلما برخلاف آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب شورای شهر و شهرداری تهران است.

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
وزیر

شماره: ۱۴۳۰۶۲۸
تاریخ: ۱۴۰۰/۸/۰۹
ساعت:
پیوست:

امیرالمؤمنین (ع): «میزان پیروز و اجتهاد صحیح و سداد (مراد اتقان، اتکاش، صاف و صالحت باری نماید)

جناب آقای حسین صابریان

سلام علیکم

با عنایت به‌مراتب تعهد، تخصص و تجربیات ارزشمند جنابعالی، به موجب این حکم شما را به عنوان "سرپرست موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد" منصوب می نمایم.

امید است با اتکال به ذات اقدس الهی در انجام وظایف و امور محوله و تحقق منویات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) و دولت مردمی سیزدهم در وزارت مردم موفق و مؤید باشید.

رونوشت:
- معاونین و مشاورین محترم وزیر
- روساء و مدیران عامل سازمانها، صندوق ها، بانکها و موسسات تابعه
- مدیران کل محترم ستادی و اجرایی
- مرکز حراست
- مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی
- جناب آقای رضا مسرور برای اطلاع و تشکر از خدمات جنابعالی در طول مدت تصدی مسئولیت

جابه‌جایی گسترده مدیران در شهرداری و انتصاب‌های پرحاشیه در حالی رخ داده است که مردم با یادآوری اظهارات او در مناظره‌های انتخاباتی مبنی بر اینکه «به مردم دروغ نمی‌گوییم و دولت را از محل تورم اداره نمی‌کنیم. به‌جای گردش مدیران از شایستگان استفاده خواهیم کرد و از فامیل خود در پست‌های مدیریتی بهره نمی‌گیریم» به مرور انتصاب‌های فامیلی در دولت سیزدهم می‌پردازند.

انتصاب افراد گمنام و بی‌تجربه

اواسط مهرماه گزارشی در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد «فقط ۱۸۰ انتصاب در حوزه معاونان وزیر، استانداران، مدیران سازمان‌های بزرگ دولتی، مشاوران و رؤسای دانشگاه‌های مهم در دولت سیزدهم انجام شده است». در میان منصوب‌شدگان در دولت جدید، ۹۶ نفر سوابق کاری هم‌رتبه یا نزدیک به سمت جدید را دارند و سوابق ۸۴ نفر از این افراد به لحاظ ارتباط با مسئولیت جدید و سطح سمت مجهول است. در میان وزارتخانه‌ها، ابتدا وزارت نفت، سپس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و در رتبه بعد وزارت آموزش‌وپرورش به لحاظ میزان هم‌سطح‌نبودن یا غیرمرتبط‌بودن انتصاب‌ها و مجهول‌بودن سوابق افراد در صدر فهرست قرار دارند.

کمترین میزان انتصاب‌ها در میان وزارتخانه‌های مهم در وزارت اطلاعات با دو انتصاب انجام شده که بدون اشاره به نام افراد منصوب‌شده مربوط به صندلی رئیس سازمان حراست و معاونت اطلاعات و امنیت اقتصادی و مبارزه با فساد این وزارتخانه است.

بیشترین میزان تغییر نیز در وزارت نفت با ۱۵ انتصاب انجام شده که در آن تقریبا تمام مدیران اصلی این مجموعه در مدتی کوتاه جابه‌جا شده‌اند. پس از این وزارتخانه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ۱۲ انتصاب در رده مدیران عالی و وزارتخانه نیرو و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی هرکدام با ۱۰ انتصاب در رده‌های بعدی قرار دارند.

این آمار در هفته‌های اخیر مطمئنا تغییر کرده و با ادامه موج جابه‌جایی‌ها و انتصاب‌ها همچنان حواشی رابطه‌سالاری‌ها ادامه دارد.

با سرمایه‌های کشور نباید مانند تقسیم غنایم برخورد کرد

جواد امام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، چندی پیش در واکنش به این انتصاب‌ها عنوان کرد که مشاهده می‌کنیم افراد فاقد تخصص و تجربه را صرف اینکه در باند و جریان و از اقوامشان هستند در پستی می‌گذارند، این افراد تا توجیه شوند هزینه دیگری را تحمیل می‌کنند. قبلا همین افراد مخالف انتصاب‌های فامیلی بودند و به دیگران برچسب هزارویک‌فامیل می‌زدند. دوستان بگذارید عرقتان خشک شود، بعد انتصاب‌های فامیلی را شروع کنید. اینها به‌دنبال منافع گروهی و جناحی هستند. من منکر استفاده از جوانان نیستم، حتما باید از نیروهای جوان استفاده شود و مدیرانی که سن زیادی از آنها گذشته، باید جای خود را به نیروهای جوان‌تر بدهند و کار به جوان‌ها سپرده شود؛ اما منظور از جوان، جوان باتجربه با دانش مرتبط است. مگر می‌شود ما در کشور دعوای تخصص و تعهد راه بیندازیم؟ ما حتما جوانان متخصص و متعهد داریم، اما جداکردن اینها باعث زیرسؤال‌رفتن نیروهای متخصص و متعهد می‌شود.

انتصابات «گروه‌بازی» است؟

محمد مهاجری، فعال اصولگرا نیز در نقد انتصاب‌های پرحاشیه دولت جدید می‌گوید: «طبیعی است که رئیس‌جمهوری از جناح و باند خود وزرا و معاونانش را منصوب کند، اما ایراد آنجایی است که رئیس دولت سیزدهم ادعا کرد که دولتم فراجناحی است».

او معتقد است: «چیزی به نام فراجناحی در سیاست وجود خارجی ندارد و آدم‌ها وابسته به جناح یا وابسته به اشخاص هستند».

مهاجری می‌افزاید: «اگرچه درباره بعضی از انتصاب‌ها باید عملکرد آینده چهره‌ها را دید و نظر داد. من از انتصاب برخی از آنان دفاع می‌کنم، اما این مسئله شمول اکثریتی ندارد. یعنی مشخص است که برخی دولتمردان فعلی در سمت قبلی خود هیچ هنری نداشته‌اند یا عملکردشان درخشان نبوده یا بسیار ضعیف بوده است؛ درحالی‌که ابراهیم رئیسی از میان اصولگرایان نیز می‌توانست از معاونان یا وزرای کارآمدتری استفاده کند». او تصریح می‌کند: «درست است که اغلب منصوبان از حلقه مدیران احمدی‌نژاد، جبهه پایداری و حلقه دانشگاه امام صادق هستند، اما ممکن است این مسئله عمدی نبوده باشد». اینکه وزرا و مسئولان از میان گروه‌ها و جناح‌های همفکر خود به‌دنبال مدیر، معاون و مشاور باشند، شاید غیرطبیعی نباشد، اما نمی‌توان صرف آشنایی و روابط حاکم مدیریت را به دست دوستان سپرد و غیرخودی‌های متخصص را از سیستم اداری و مدیریتی بیرون کرد.

اعتماد عمومی از جانب این انتصاب‌ها بسیار صدمه خورده و رئیسی برای بازسازی این اعتماد شکننده کار دشواری در پیش خواهد داشت.

ادامه از صفحه اول

نگذاریم اجماع شکل بگیرد

از یک طرف به‌رغم وعده‌های رئیس‌جمهور، سایه سنگین تحریم‌ها همچنان بر مؤلفه‌های تأثیرگذار در عبور از این شرایط سنگینی می‌کند. درست است که تحریم تنها عامل در ایجاد شرایط اقتصادی نیست ولی عبور از آن کمک بزرگی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ مضافا اینکه با استمرار بن‌بست در مذاکرات، زیانی متوجه طرف‌های مقابل نمی‌شود. دغدغه آنها و آژانس کاهش نظارت‌های تحت برجام است. این مؤلفه به‌رغم افزایش فشار بر غرب و آمریکا به دلیل پایبندی ایران به عدم تولید بمب، لزوما نمی‌تواند اهرم فشاری برای امتیازگیری باشد. از این منظر بزرگ‌نمایی زمان «گریز هسته‌ای» از سوی برخی کشورها و به‌خصوص اسرائیل بیش از احساس خطر با هدف استمرار فشار جهان به ایران است که در صورت ادامه خطر احیای «اجماع جهانی» علیه ایران را افزایش می‌دهد.

با امعان نظر به گزاره‌های فوق، بیانیه اجلاس اخیر گروه ۲۰ در ایتالیا، هشدارهای به ظاهر فنی ولی در واقع سیاسی مدیرکل آژانس و همچنین مواضع روسیه و چین در انتقاد از ایران در تعلل در بازگشت به مذاکرات وین را باید جدی گرفت. هنوز مشخص نیست توافق ایران و ۱+۴ در شش دور مذاکره تا چه اندازه به خواست‌های ایران نزدیک است. بر اساس آخرین اظهارنظر روحانی توافق بر اساس نقطه‌ای که ترامپ از آن خارج شد، قابل دستیابی بود و حتی به‌صراحت گفت اگر اجازه داده شود عراقچی می‌تواند آن را امضا کند. مخالفت ایران با گسترش مذاکرات به مسائل دیگر (موشکی و نفوذ ایران در منطقه) اقدامی موجه، مسموع و منطبق با متن برجام و بالطبع قابل دفاع است. با توجه به شرایط جهان که به‌سرعت در حال گذر از انزوای آمریکای دوره ترامپ به سمت‌وسوی تشدید فشار به ایران است، ایستادگی بر این موضع و عدم اصرار بر موارد دیگر به مصلحت ایران است. برای جلوگیری از اجماع جهانی و با توجه به تمایل شدید سه کشور اروپایی و نیز روسیه و چین به ازسرگیری مذاکرات ناتمام وین، راهبرد ایران در این مرحله باید بازگشت دو طرف به برجام (مطابق آنچه بود)، تضمین استفاده از تمام مزایای آن اعم از لغو تحریم‌های منطبق با برجام، عادی‌شدن روابط اقتصادی و مبادلات تجاری و پذیرش محدودیت‌های مندرج در آن باشد. اصرار ایران بر لغو همه تحریم‌ها بر اساس مصوبه مجلس و تضمین عدم خروج به‌خودی‌خود به معنای تغییر در متن توافق قبلی است که به‌طور طبیعی موضع آمریکا را در تغییرات دیگر موجه جلوه می‌دهد. بر اساس برخی اطلاعات، ایران موضع تضمین عدم خروج را به اجرای آن در دوره بایدن تقلیل داده است که این خبر در صورت صحت انعطافی مبتنی بر واقع‌گرایی از سوی ایران است؛ زیرا تضمین عدم خروج برای مدتی طولانی، نیازمند تبدیل توافق سیاسی کنونی به معاهده‌ای است که مجلس سنای آمریکا با دوسوم آرا، آن را تصویب کند. با توجه به ترکیب کنونی سنا، بایدن هم (حتی در صورت تمایل) مانند سلف خود قادر به عبور از آن نیست. در شرایطی که آمریکا بازیگر اصلی و لغو تحریم‌هاست، شرط‌بندی ایران بر اروپا و گذاشتن همه تخم‌مرغ‌ها در سبد این سه کشور رویکرد ناصوابی است که نتیجه‌ای در بر نداشته و موضع ایران را ضعیف‌تر خواهد کرد؛ زیرا علاوه بر ناتوانی اروپا در فشار به آمریکا، شاهد کاهش اختلافات این کشورها با آمریکا در دوره بایدن و یکسانی مواضع آنها در قبال ایران هستیم. ضمن اینکه اظهارات اخیر مقامات روسیه و چین نیز مؤید بازی هنرمندانه این دو کشور برای ماهی‌گیری از آب گل‌آلود بن‌بست مذاکرات وین ناشی از مطالبات حداکثری آمریکا و ایران است؛ مطالباتی که فقط می‌توان بر سر میز مذاکره بین دو طرف، آن را تعدیل کرد و به توافقی متعادل دست یافت؛ امری که آمریکا از آن استقبال و ایران وقت خود را با مذاکره بی‌حاصل با بازیگران دیگر تلف می‌کند.

چوب جادویی در اقتصاد وجود ندارد

در واقع دولت به جای حل ریشه‌ای مشکل که به عملکرد خود این نهاد یعنی ایجاد فضای تورمی با افزایش روزانه بیش از سه هزار میلیارد تومان نقدینگی و رسیدن به مرز هزارو ۴۰۰ هزار میلیارد تومان (افزایش ۴۱ درصدی نسبت به سال قبل) برمی‌گردد وارد چانه‌زنی با اتحادیه تولیدکنندگان می‌شود تا آنان با لطف و مرحمت درصدی از این افزایش‌های ناگزیر و متأثر از عملکرد دولت را تخفیف دهند! این روش یقینا چند روز (و نه حتی چند هفته و ماه) بیشتر دوام دارد و به‌زودی همان ۱۰ درصد کاهش به جای خود بازمی‌گردد با درصدی افزون‌تر! همین مقام دولتی در گفت‌وگویی دیگر راجع به قیمت‌ها با تیتر «کنترل قیمت وظیفه ذاتی دولت‌هاست» (روزنامه ایران- ۷/۲۰ /۱۴۰۰) چنین می‌گوید: «در واقع آنچه امروز دولت با آن مبارزه می‌کند نوعی رهاشدگی قیمت‌هاست که از تبعات اقتصادی ایجادشده در طول سال‌های گذشته نشئت می‌گیرد. آنچه دولت باید با آن مبارزه کند افزایش دامنه نوسان قیمت‌ها در فواصل زمانی کوتاه است...». شاید این خبر که «وزارت دادگستری دولت سیزدهم تشکیل «ستاد هماهنگی نظارت بر بازار و رسیدگی به تخلفات» را در دستور کار قرار داد، مرتبط با همین شیوه جدید مبارزه با افزایش قیمت‌هاست؟!

ادامه در صفحه ۳